



درباره تحفه‌های نامبارک تلویزیون



چند سالی است که صدا و سیما در ماه مبارک رمضان با برنامه‌های متنوع و به عقیده برخی، جذاب، توانسته بسیاری از روزه‌داران عزیز را تا پاسی از شب پای تلویزیون بنشاند. گذشته از ماهیت مخرب این رسانه در ماه مبارک رمضان، بد نیست با هم به بررسی برخی آفات که منجر به آثار سوء فرهنگی در جامعه‌مان شده است بپردازیم:



۳. ساعت پخش نامناسب و الگوی زمانبندی خانواده‌ها

بیش‌تر خانواده‌ها برنامه خواب و غذا و مهمانی و... خود را با برنامه‌های تلویزیون تنظیم می‌کنند، و متأسفانه همراه با اتمام آخرین سریال به موعد خواب نزدیک می‌شوند. پخش سریالی پر بیننده در ساعت ۱۱ شب قطعاً اثر نامناسبی بر تنظیم الگوی زمانبندی خواب و سرخیزی خانواده‌ها دارد. غیر از بطلانی که ذاتاً این سریال‌ها بعد از افطار تا ساعت ۱۲ شب برای خانواده‌ها فراهم می‌آورند دست کم توجه به ساعت پخش آنها لازم به نظر می‌رسد.



۴. محتوای سبک و عدم رعایت اصول اخلاقی

استفاده از شوخی‌های سبک و بی‌محتوا که در آن تمسخر دیگران، غیبت، تهمت و عدم رعایت عفت کلام به راحتی مجاز شمرده می‌شود به هیچ‌وجه با منش اصلاح فرهنگی که وظیفه رسانه ملی است نمی‌سازد و حتی ادبیات عامیانه مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



در ماه مبارک رمضان که سفارش به پارسایی و پاکدامنی سرآمد سفارش‌های دین مبین است ضربه به فرهنگ جامعه اسلامی و هجو ارزش‌های دینی چه توجیهی دارد؟! عدم وسواس در مسایل مهمی چون برنامه‌های رسانه‌ای فراگیر چون تلویزیون گناه کوچکی نیست. کاش به جای سیاست عرضه و تقاضا و در اولویت قرار دادن رضایت مشتری، با تدوین یک راهبرد روشن، صدا و سیما جمهوری اسلامی کمی به نقش آرمانی «دانشگاه ملی» که مورد عنایت حضرت امام بود نزدیک شود.

۱. ورود به حوزه تخصصی اعتقادی توسط افراد غیر کارشناس

به تصویر کشیدن حقایق چون روح، شیطان، برزخ، چشم برزخی و... که حتی در بسیاری از این موارد بین علمای دینی هم اختلاف نظرهایی وجود دارد کار بسیار حساسی است. برداشت‌های سطحی از آیات و روایات موجود سبب شده است نسل جدید، آشنایی ناقص و گاه غلطی از این مفاهیم پیدا کند تا آن‌جا که جایگزین کردن فهم اصیل و درست آن اگر ممکن باشد بسیار دشوار است! بدتر از این گاه مشاهده شده پرداخت نامناسب و فاقد دقت لازم به دلایل مختلفی از جمله افزودن جنبه دراماتیک و نمایشی آن سبب شده مردم با تمسخر و شوخی به‌نظر این موضوعات و حقایق بنشینند که این مسأله بنای احساسات و دلبستگی‌های مذهبی را خواهد سوزاند. استفاده نکردن از کارشناسان خبره و ماهیت غیر نمایشی مفاهیم ماوراءالطبیعه باعث شده برخی مسایل اعتقادی کاملاً غلط و وارونه به نمایش دربیاید.

۲. استفاده از بازیگران و عوامل نامناسب

الگوسازی توسط رسانه‌ای چون تلویزیون آن قدر واضح است که نیازی به بحث و دفاع ندارد اما این آثار هنگامی حساسیت ویژه‌ای می‌یابد که قرار است با معارف اسلامی و مسایل اعتقادی مرتبط شود. استفاده از افرادی که شهرت سوء داشته و از نظر اخلاقی شناخته شده هستند در نقش‌هایی که الگوی دیانت و اخلاق شمرده می‌شوند تناقضی به وجود می‌آورد که افکار عمومی جامعه را به سمتی ناخواسته هدایت می‌کند. بدحجابی، رفتارهای نامتعارف و آرایش‌های آنچنانی در زندگی واقعی بازیگرانی که نقش‌های افراد مذهبی و مقید را بازی می‌کنند مستقیماً اعتقادات مذهبی را نشانه می‌رود. توجه داشته باشید که در سریال‌های غیر معارفی این تأثیر به مراتب کمتر است.

